

حق برخورداری از وکیل دعاوی

به عنوان یک حق بشری^۱

در این نوشتار ابعاد مختلف «حق برخورداری از وکیل» در آئینه استانداردها و ضوابط و معیارهای بین المللی حقوق بشری، مورد بررسی و اشاره قرار خواهد گرفت.

عدالت و دادرسی عادلانه:

در یک دسته بندی، عدالت به دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم می شود. عدالت فردی مربوط به بحث چگونگی ایجاد تعادل میان ابعاد مختلف وجودی انسان و یا قوای گوناگون انسان می شود که از قدیم الایام در اندیشه برخی فلاسفه یونانی مانند افلاطون و همچنین بسیاری از متکلمین و فقهای مسلمان، مورد بررسی قرار گرفته و شرایط و احکامی برای آن ذکر شده است. عدالت در این مفهوم صفت و خصلت انسان است که باید بدان متصف شود. اما عدالت در مفهوم اجتماعی آن مربوط به چگونگی ایجاد تعادل و توازن در روابط میان مردمان با همدیگر و یا تعیین مرزهای این گونه روابط است. با توجه به اینکه روابط اجتماعی میان مردمان، حوزه ها و قلمروها و زمینه های متفاوتی را در بر می گیرد، طبعاً عدالتی نیز که در هر کدام از این حوزه ها و قلمروها مطرح می شود، با همدیگر متفاوت خواهد بود و در نتیجه تعریف و تبیین ما از آن، بسته به اینکه در چه حوزه یا عرصه یا زمینه ای از روابط اجتماعی قرار گرفته باشیم و همچنین با لحاظ اینکه در چه شرایط و زمان و مکانی حضور داشته باشیم، متفاوت خواهد بود.^۲ اگر زمینه مورد بحث ما چگونگی توزیع ثروت و امکانات و فرصتها باشد، بحث «عدالت توزیعی»^۳ مطرح می شود که باز بسته به مکتب فکری خویش، تعریف از آن نیز متفاوت می شود. یا اگر حوزه مورد بحث ما در مورد چگونگی برخورد و واکنش نشان دادن به یک بزه ارتكابی یا زیان وارده باشد به گونه ای که پس از آن، وضعیت ناعادلانه ی پیش آمده، تصحیح و اصلاح گردد، وارد بحث «عدالت مکفاتی»^۴ یا «عدالت جبرانی»^۵ خواهیم شد و یا اگر حوزه و زمینه مورد بحث ما رویه ها و روشها و اصول و قواعد منصفانه در رسیدن به یک مطلوب و مقصود و یا حاکم بر یک موضوع

^۱. این مقاله پیش از این در خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۲۰، اسفند ۸۶، منتشر شده است.

^۲. برای مطالعه دقیقتر این موضوع که ماهیت و محتوای عدالت از عصری به عصر دیگر تحول می یابد، رجوع کنید به: حسین بشیریه، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، صص ۴۶ الی ۵۰.

^۳. Distributive Justice.

^۴. Retributive Justice.

^۵. Corrective Justice.

باشد، «عدالت رویه ای»^۶ را مطرح نموده ایم. این عدالت که بر توافقات، پیمان ها و روند های دادرسی حاکم است، آنچه را که در این میان، مشروع یا منصفانه است، از آنچه مشروع و منصفانه نیست، متمایز می کند.^۷ عدالت رویه ای در حقوق کامن لا، اصطلاحاً «انصاف» نامیده می شود و بیشتر نیز این عدالت در عرصه قضاوت و دادرسی و تعقیب و مجازات مطرح می شود. امروزه عدالت رویه ای در حوزه دادرسی ها، مبتنی بر چندین اصل و قاعده است که رعایت واقعی و دقیق آنها، عادلانه بودن کلیه مراحل یک دادرسی و روند حاکم بر آن را تضمین خواهد کرد. این اصول و قواعد، برخی ناظر به ساختار و تشکیلات دستگاه قضایی و نهاد های وابسته به آن است و برخی نیز ناظر به حقوق و آزادی های افراد در جریان تحقیق و رسیدگی به دعاوی می باشد.

برخی از مهمترین این اصول عبارتند از:

(۱) اصل بی طرفی قاضی و دستگاه قضایی در تحقیقات و محاکمات، که دو پیامد عمده آن یکی جدایی نهاد تعقیب (داسرا) از نهاد رسیدگی کننده (دادگاه) و دیگری استقلال وکیل مدافع از قوه قضاییه است.^۸

(۲) اصل براءت، که دارای آثاری مانند حق بر سکوت، حق تفسیر به نفع متهم، و... می باشد.^۹

(۳) اصل حق بر شنیده شدن دعاوی و دلایل و مدافعات افراد.^{۱۰}

(۴) اصل تساوی سلاح میان طرفین دعوی.^{۱۱}

از مهمترین نتایجی که از سه اصل اخیر یعنی اصل براءت و اصل حق افراد بر شنیده شدن و اصل تساوی سلاح ها، گرفته می شود، عبارت است از حق افراد در برخورداری شدن از خدمات، مشاوره و کمک یک وکیل مدافع.

⁶. Procedural Justice.

^۷. رابرت ال هولمر، مبانی فلسفه اخلاق، صص ۲۸۸ به بعد. همچنین رک به: سید محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر نخست، صص ۵۴ الی ۷۴.

^۸. دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص اهمیت این اصل اظهار می دارد: «به محض اینکه در بی طرف بودن قاضی، شک و تردید موجه بوجود آید، باید مورد از موارد رد قاضی محسوب شود. چه، (حفظ بی طرفی) ضامن اعتمادی است که در یک جامعه دموکراتیک، شهروندان نسبت به دادگاهها و مراجع قضایی از خود نشان می دهند» رک به: محمد آشوری، حقوق بشر، مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، صص ۳۳۳ الی ۳۳۵.

^۹. همان، صص ۳۴۴ الی ۳۵۰. همچنین رک به: همو، عدالت کیفری، «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری» صص ۱۳۳ الی ۱۷۰.

¹⁰. Right to be heard.

¹¹. یکی از اصول مهم و مورد نیاز در یک دادرسی عادلانه، اصل تساوی سلاح ها است. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده (Dombo Beheer B.V) این اصل را این گونه تعریف کرده که: «به هر طرف دعوی باید فرصت معقولی جهت طرح دعوی خود - از جمله فرصت ارائه دلیل و مدرک - در شرایطی که وی را نسبت به طرف دیگر دعوی در یک نابرابری قابل توجه قرار نمی دهد، داده شود» این اصل البته هم در دعاوی مدنی و هم در دعاوی کیفری می بایست اعمال شود. از جمله نتایج اصل تساوی سلاح ها عبارت است از: (۱) امکان برابر احضار شهود له و علیه، توسط طرفین دعوی. (۲) رفتار برابر و مشابه در داشتن امکان دعوت از کارشناس. (۳) امکان دسترسی به محتویات و اسناد و مدارک پرونده. برای مطالعه دقیقتر رک به:

P.van Dijk and G.J.H. van Hoof. Theory and Practice of the European Convention on Human Rights. pp, 430,431,432.

حق برخورداری از وکیل مبتنی بر اراده ی ایجاد تعادل و توازن میان نهاد تعقیب و دادگاه به عنوان نیروهای صاحب قدرت و تخصص از یک سو، با افراد عادی و غیر متخصص و ناتوان از سوی دیگر است به نحوی که با حضور وکیل مدافع سعی می شود تعادل مربوطه تا حد زیادی برقرار شود. در واقع برای اینکه بتوانیم عدالت را در عرصه دادرسی برقرار کنیم، نیازمند نقش و حضور فعالانه وکیل مدافع - به عنوان شخص متخصصی که بایست دارای اختیارات قانونی فراوانی نیز تقریباً در حد دادستان باشد، (به منظور رعایت تساوی سلاح ها)- هستیم. حضور وکیل موجب برقراری تعادل و توازن در محیط و فضای پیش گفته می شود.^{۱۲} این موضوع نه فقط در پرونده های کیفری بلکه در دعاوی حقوقی نیز به گونه ای دیگر مطرح می باشد و لزوم رعایت دادرسی عادلانه، دعاوی حقوقی را نیز در بر می گیرد.^{۱۳}

پیامد مهم عدالت در حوزه های مختلف اجتماعی در عصر حاضر، حق ها و آزادی های بنیادینی است که از لحاظ تاریخی بعد از جنگ دوم جهانی، به تدریج وارد نظام بین الملل حقوق بشر گردیده و یا در حال وارد شدن می باشند.

حق برخورداری از وکیل دعاوی به عنوان یک حق بشری

۱) حق داشتن وکیل:

به موجب ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: « هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایزی مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که ذکر شده است، بهره مند گردد.»

از جمله ی این حقوق و آزادی ها، بر طبق ماده ۱۰ اعلامیه فوق که در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پیش بینی شده است، حق رسیدگی منصفانه و علنی به دعاوی له یا علیه هر شخص در دادگاهی مستقل و بی طرف بصورتی برابر می باشد. ماده ۱۰ اعلامیه مزبور اشعار می دارد: « هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی گردد. و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.»^{۱۴}

^{۱۲}. سید محمد قاری سید فاطمی، پیشین، صص ۶۵ الی ۶۸.

^{۱۳}. Sarah Joseph, Jenny Schults and Melissa Castan. International covenant on civil and political rights. PP. 279 , 280. (دعوی Y.L علیه کانادا - ۱۱۲/۸۱)

^{۱۴}. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در بند ۱ خود اشعار می دارد: « همه در مقابل دادگاهها و دیوان های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات آن، و در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید...»

یکی از تضمین های لازم برای دفاع از دعاوی و از جمله اموری که برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه، هر شخصی فارغ از جنس، نژاد و ... باید از آن بهره مند گردد، حق برخورداری از وکیل در جریان یک دعوی است.

در همین رابطه برخی از اسناد مهم بین المللی این حق را مورد تصریح و یا تاکید قرار داده اند. از جمله قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمین های ذیل را خواهد داشت ... د) در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خویش دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری [مصالح عدالت]^{۱۵} اقتضا نماید از طرف دادگاه راساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت.»

همچنین قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تقریباً مشابه متن میثاق، مقرر می دارد: «هر متهمی به ویژه حق دارد که ... ج) شخصاً خود و یا با همکاری وکیل مدافع (مشاور حقوقی) به انتخاب خویش، به دفاع از خویش بپردازد و چنانچه توان مالی جهت پرداخت حق الوکاله نداشته باشد، در صورتی که مصالح عدالت اقتضا کند، بتواند بطور رایگان از مشاوره وکیل تسخیری بهره مند گردد.»

این حق همچنین در قسمت د و ه از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر، تقریباً با عباراتی مشابه عبارات فوق، پیش بینی شده است.^{۱۶}

در خصوص حق بهره مندی از خدمات وکیل توسط اطفال، نیز کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در بند ۲ ماده ۴۰ خود مقرر می دارد: «... کشور های عضو خصوصاً موارد ذیل را رعایت می نمایند... ب) هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانونی کیفری شناخته شود، حداقل دارای تامین های زیر خواهد بود: ... ۲- ... حق داشتن مشاوره حقوقی و یا سایر کمک ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه ۳- روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام قضایی بی طرف و مستقل و طی دادرسی عادلانه در حضور وکیل و سایر کمکهای حقوقی، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت، و یا والدین و یا قیم قانونی کودک ...»

در رابطه با حق برخورداری از وکیل، هشتمین گنگره ملل متحد برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمین^{۱۷}، به شرح یک قطعنامه الحاقی، این حق و امور مرتبط با آن را تحت عنوان « اصول اساسی نقش

^{۱۵}. Interests of Justice.

^{۱۶}. این حق همچنین در قسمت های ب و د از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (ICC) و قسمت های ب و د بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) با عباراتی تقریباً مشابه عبارات متن میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مقرر شده است.

^{۱۷}. هاوانا، کوبا، ۱۹۹۰.

وکلای» به تصویب رسانده است و در بند ۳ مقدمه خود از دول عضو دعوت می نماید که اصول اساسی حاضر را در چارچوب وضع قوانین و رویه های ملی خود مورد توجه قرار داده و محترم بشمارند.

در ابتدای این قطعنامه آمده است: «با توجه به اینکه حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی های اساسی که کلیه افراد محق به برخورداری از آنها هستند، خواه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی یا مدنی و سیاسی، مستلزم آن است که کلیه افراد دسترسی موثر به خدمات حقوقی وکلای حرفه ای مستقل داشته باشند، ... اصول اساسی نقش وکلای که ذیلاً درج شده برای کمک به دول عضو در امر ترویج و تضمین صحیح وکالت تهیه گردیده و باید توسط دولتها در چارچوب وضع قوانین و تعیین رویه های ملی مورد توجه قرار گرفته و به اطلاع وکلای و افراد دیگری از قبیل قضات، دادرسان، اعضای قوه مجریه و مقننه و مردم بطور کلی برسد. این اصول ناظر بر کسانی نیز هست که نقش وکیل را بدون داشتن موقعیت رسمی وکلای ایفا می نمایند.»

در این قطعنامه ی الحاقی، حق برخورداری از وکیل و سایر حقوق مرتبط با آن و همچنین تکالیف دولت ها در قبال آن مورد شناسایی و تصریح قرار گرفته است. بند ۱ از قطعنامه مزبور اعلام می دارد که: «کلیه افراد حق دارند خواستار کمک وکیلی که خود انتخاب می نمایند برای حمایت و اثبات حقوق خود و دفاع از آنها در کلیه مراحل رسیدگی جزائی بشوند» قطعنامه مزبور از سوی دیگر در بر دارنده ی بسیاری از تکالیف برای دولت ها در جهت تضمین حق داشتن وکیل می باشد. به موجب بند ۲ این قطعنامه «دولت ها اطمینان حاصل خواهند نمود که روشهای موثر و مکانیسم های کافی برای دسترسی موثر مساوی به وکلای جهت کلیه افراد داخل قلمرو آنها و تابع صلاحیت های آنها، بدون تبعیض از هر لحاظ، مثل تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، ریشه نژادی، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، ریشه ملی یا اجتماعی، اموال، تولد، وضعیت اقتصادی و غیره، وجود داشته باشد.»

این نکته لازم به ذکر است که قطعنامه فوق الذکر، جنبه توصیه و دعوت برای دولت ها دارد و الزام حقوقی ندارد. اما از آنجایی که مفاد این سند می تواند در آینده به عرف ها و رویه های بین المللی الزام آور و یا به قواعد امره تبدیل شود و یا با توجه به اینکه برخی از قواعد آن بیانگر عرف های موجود است، حائز اهمیت بسیار می باشد.

در خصوص حق داشتن وکیل چند نکته شایان ذکر است. اول اینکه در حق انتخاب وکیل نباید محدودیتی از نظر تعداد وکیل وجود داشته باشد. در این زمینه کمیته حقوق بشر در یک مورد (Esterella علیه اروگوئه - ۷۴/۸۰)^{۱۸}، اعمال محدودیت در داشتن چند وکیل را نقض بند ۳ ماده ۱۴ میثاق دانسته است.

نکته دوم در این رابطه در خصوص تعهد دولت ها به ایجاد شرایط مناسب جهت برخورداری از این حق در فضاهای خشونت آمیز و یا سیاسی است. در واقع در مواردی که در درون یک کشور، وکلای به لحاظ وجود

^{۱۸}. در این پرونده انتخاب شخص مزبور محدود به یکی از دو وکیل مدافع رسمی خویش شده بود. کمیته حقوق بشر در نهایت این موضوع را نقض قسمت

های ب و د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق دانست. رک به: [14 – 79]. Sarah Joseph &..., op cit, p.318.

جوّ خشونت آمیز در جامعه، از پذیرش وکالت در برخی پرونده ها، علیرغم اقتضای مصالح عدالت، واهمه دارند و همچنین در مواردی که این امکان وجود دارد که وکلاء در صورت پذیرش وکالت در پرونده هایی که بار سیاسی دارد، مورد آزار و اذیت و تهدید واقع شوند، دولت ها موظف هستند شرایط و اقدامات ضروری را جهت تضمین حق افراد در اوضاع و احوال فوق الذکر به منظور دسترسی موثر به خدمات و مشاوره وکلای مدافع ایجاد نمایند. در غیر این صورت اقدام آنها در جهت نقض حق دفاع افراد در دعاوی می باشد.^{۱۹}

نکته آخر نیز در این خصوص مربوط به اختصاص داشتن این حق به تمام مراحل دادرسی است. در واقع در دعاوی کیفری، حق برخورداری از وکیل مدافع (اعم از منتخب یا تسخیری) می بایست برای افراد، در تمام مراحل یک دادرسی از جمله در تحقیقات و بازجویی های نزد پلیس و در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس، تامین شود.^{۲۰}

۲) اختیاری بودن برخورداری از وکیل:

یکی از مهمترین مسائل در زمینه برخورداری از وکیل، مساله اختیاری بودن استفاده از وکیل می باشد. قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق و همچنین قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قسمت د بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به عنوان سه سند مهم در این زمینه صراحتاً اعلام می دارند که فردی که متهم به ارتکاب جرمی می شود، می تواند شخصاً و یا به توسط وکیل از خویش دفاع کند. که این موضوع در واقع، اختیاری بودن و نه الزامی بودن برخورداری از وکیل را به عنوان یک قاعده کلی مورد تاکید قرار می دهد. در این زمینه کمیته حقوق بشر نیز در یک مورد (Hill و Hill علیه اسپانیا - ۹۳ / ۵۲۶)، سلب کردن حق افراد در دفاع از خود بطور شخصی (بدون استفاده از وکیل) در دعاوی را نقض آشکار قسمت ج بند ۳ ماده ۱۴ دانسته است.^{۲۱}

^{۱۹}. Scott Davidson, the inter- American System of Human Rights, pp.250,251.

^{۲۰}. در این زمینه بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (ICC) به عنوان سازوکاری که در راستای تضمین عملی برخورد با برخی موارد نقض موازین حقوق بشری، می تواند مورد اشاره قرار گیرد، اشعار می دارد: «در موردی که قرار است شخصی که مشمول صلاحیت این دیوان است، مطابق ترتیبات مقرر در فصل نهم این اساسنامه توسط دادستان و یا مراجع مسوول داخلی مورد بازجویی قرار گیرد، آن شخص دارای حقوق ذیل است که باید قبل از بازجویی از آن حقوق مطلع شود... د: بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می گیرد. مگر اینکه خود وی از این حق صرفنظر نماید.» رک به: ویلیام شبت، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ص ۲۵۰.

^{۲۱}. در این پرونده آقای مایکل هیل مدعی شده که وی قصد داشته از طریق یک مترجم شخصاً در جریانی دعوایی در دادگاه اسپانیا از خودش دفاع کند ولی دادگاه این درخواست او را رد کرده است. در مقابل دولت اسپانیا نیز پاسخ داده است که صورتجلسات محاکمه نشانگر چنین درخواستی نیست. علاوه بر اینکه اسپانیا حق دفاع از خود را طبق میثاق و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته است؛ اما این قبیل دفاع باید بوسیله یک وکیل با صلاحیت که هزینه حق الوکاله آن نیز هر گاه ضروری باشد توسط دولت پرداخته می شود، انجام شود. در نهایت کمیته حقوق بشر با لحاظ اینکه قانون مصوب اسپانیا اجازه نداده، یک متهم شخصاً از خویش به گونه ای که در میثاق پیش بینی شده دفاع کند، نتیجه گیری کرده که حق آقای مایکل هیل در زمینه دفاع از خویش طبق قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق مورد رعایت قرار نگرفته است. رک به: [81 - 14] Sarah Joseph & ..., op cit, p 319

در این زمینه همچنین می توان به رای دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص پرونده S علیه دولت سوئیس اشاره کرد. همچنین رک به: محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ص ۳۴۵.

با این حال بر این قاعده کلی یک استثنا وارد می شود (خواه با وضع قانون و خواه با تصمیم مقامات قضایی) و آن در جایی است که مصالح عدالت در برخی دعاوی و اتهامات چنین اقتضاء کند که فرد مورد نظر، الزاماً بایستی برخوردار از یک وکیل مدافع باشد. در واقع چنانچه به دلایلی عینی محرز باشد و یا احتمال بسیار وجود داشته باشد که فرد متهم ممکن است نتواند بدون وکیل به درستی از خویش دفاع نماید، در اینجا عدالت حاکم بر دادرسی ها اقتضاء می کند که این فرد با استفاده از یک وکیل مدافع به دفاع از خویش بپردازد. به گونه ای که حتی اگر خود وی نیز تمایلی به این کار نداشته باشد، دادگاه راساً ملزم به تعیین وکیل برای او باشد. در این مورد کمیته حقوق بشر نیز در یکی از آرای خویش (دعوی Z.P علیه کانادا - ۳۴۱/۸۸)^{۲۲} صراحتاً اعلام کرده که در مواردی که فردی متهم به جرم مستوجب اعدام است، تعیین وکیل تسخیری برای وی الزامی است. در واقع در جرایمی که به لحاظ شدت مجازات این امکان وجود دارد که فرد نتواند دفاع شایسته ای شخصاً از خویش انجام دهد و این امر در نهایت به ضرر او تمام شود، اقتضای عدالت این است که وی برخوردار از خدمات یک وکیل حرفه ای گردد.^{۲۳}

البته نکته ای که در این زمینه نباید آنرا فراموش کرد، این است که این مساله در هر حال یک استثنا است و نباید جای خود را با آن قاعده کلی عوض کند، به گونه ای که مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون های اروپایی و آمریکایی و ... در زمینه حق افراد نسبت به اینکه شخصاً بتوانند از خویش دفاع نمایند و یا وکیل مدافع خویش را آزادانه انتخاب نمایند، به امری غیر واقعی و واهی تبدیل شود.^{۲۴}

در پرونده Kremzow نیز که در دیوان اروپایی حقوق بشر رسیدگی شده، وضعیت به این صورت بوده که وی به موجب قانون ملی کشور خود تنها در صورتی می توانسته در تجدید نظر علیه محکومیت حبس خویش شرکت کند که در هنگام تجدید نظر، چنین درخواستی را نموده باشد، اما وی موفق به این کار نشده و درحالی که خطر افزایش قابل توجه مجازات حبس وی نیز وجود داشته، از این حق محروم شده است. در این زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشته که مقامات ملی در این خصوص متعهد بوده اند که امکان حضور وی در جلسه رسیدگی و دفاع از خود بطور شخصی را فراهم کنند و این کوتاهی در اجرای این تعهد به منتهای نقض بند ۱ ماده ۶ به همراه قسمت ج این ماده می باشد. و این حق فرد نسبت به حضور در جلسه رسیدگی و دفاع از خود بطور شخصی پیوند تنگاتنگی با یک دادرسی عادلانه دارد. رک به: P.van Dijk and G.J.H van Hoof, op cit, p 469.

²². Sarah Joseph &..., op cit, p.321. [14 - 84] [14 - 85]

²³. در این مورد همچنین می توان به تصمیم مورخ ۱۹ آگوست ۲۰۰۵ شعبه بدوی دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده Radovan Stankovic اشاره کرد در این پرونده آقای استانکویچ طی در خواستی از دیوان تقاضا کرده بوده که بتواند شخصاً از خویش در جلسات رسیدگی، دفاع کند. اما دیوان با این استدلال که با توجه به اوضاع و احوال پرونده، مصالح عدالت در مورد او اقتضا دارد که، او از یک وکیل مدافع در جلسات رسیدگی استفاده نماید، مستنداً به مواد ۲۰ و ۲۱ اساسنامه دیوان و قواعد ۴۴ و ۴۵ و ۵۴ از مجموعه قواعد آیین دادرسی دیوان، قرار رد درخواست وی را صادر نموده است. رک به: IT.96.23/2 (www.un.org/icty)

²⁴. P.van Dijk and G.J.H van Hoof, op cit, p.469.

۳) آزادی انتخاب وکیل:

یکی از نکات حائز اهمیت در برخورداری از وکیل، آزادی انتخاب وکیل است. در اسناد مهم حقوق بشری مثل میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون های اروپایی و آمریکایی و برخی اسناد دیگر، صراحتاً اعلام گردیده است که افراد حق دارند شخصاً و یا به توسط «وکیل منتخب خویش» از دعاوی خود دفاع نمایند. نکته مهم در اینجا، تاکید بر انتخابی بودن وکیل توسط اصحاب دعوی است که به عنوان یکی از پیامدهای مهم حق برخورداری از وکیل، باید مورد لحاظ قرار گیرد.

در این رابطه کمیته حقوق بشر که رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی می باشد نیز بر حق انتخاب وکیل توسط افراد برای دفاع تاکید ورزیده و مواردی مانند اجبار به پذیرش یک شخص خاصی که دارای ارتباط با دولت است (وکیل دولتی یا *ex officio*) را به عنوان وکیل و همچنین اجبار به پذیرش وکیلی که در مرحله نخستین عملکرد خوبی نداشته را از موارد نقض بند ۳ ماده ۱۴ میثاق دانسته است.^{۲۵} همچنین کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز در موردی که هر وکیل مدافع تنها مجاز به وکالت در یک پرونده مربوطه به تروریسم در آن واحد بوده را نقض کنوانسیون مربوطه در زمینه حق افراد در انتخاب وکیل دانسته است.^{۲۶}

۴) حق اطلاع از امکان برخورداری از وکیل

یکی از جنبه های حق برخورداری از وکیل، رعایت این موضوع است که به فرد متهم اطلاع داده شود که وی می تواند وکیل انتخاب کند و با وکیل از خود دفاع نماید. در این زمینه قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق صراحتاً اعلام می دارد که «... هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود با تساوی کامل لاقول حق تضمین های ذیل را خواهد داشت ... د ... در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود.» این موضوع در ماده ۵ قطعنامه اصول اساسی نقش وکلاء نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «دولت ها اطمینان حاصل خواهند نمود که کلیه افراد به فوریت توسط مقام ذی صلاح از حق استفاده از کمک وکیلی که خودشان انتخاب می نمایند، به محض دستگیری یا بازداشت یا متهم شدن به ارتکاب جرایم جزائی، مطلع شوند.»

^{۲۵} دعاوی Burgos Lopez علیه توباگو - ۵۲/۷۹. در این پرونده شاکی در کشور خود مجبور بوده، شخص خاصی را که دارای ارتباط با دولت بوده به وکالت بپذیرد و امکان دسترسی به یک وکیل غیر وابسته به دولت را نداشته است. کمیته حقوق بشر این مورد را نقض قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق دانسته است. مشابه این قضیه در پرونده Pinto علیه ترینیداد و توباگو - ۲۳۲/۸۷، وجود داشته که در آن Pinto مجبور به پذیرش وکیلی شده که در مرحله نخستین دعوی عملکرد خوبی نداشته است. رک به: [14 - 80] [14-79] Sarah Joseph & ..., op cit, pp 318, 319

^{۲۶} در این مورد دولت پرو، وکلای دادگستری را تنها مجاز به دفاع از یک شخص متهم به تروریسم در زمان واحد نموده که کمیسیون آمریکایی حقوق بشر آنرا یک نقض بسیاری جدی در زمینه حق برخورداری از وکیل مدافع منتخب که بر اساس قسمت د بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی پیش بینی شده، دانسته است. رک به: Scott Davidson, op cit, pp 250, 251.

۵) حق ملاقات و ارتباط با وکیل منتخب و حق بر محرمانه بودن محتوای این ارتباطات.

به موجب قسمت ب از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، یکی تضمین های لازم برای اشخاص در زمینه دفاع، حق ارتباط با وکیل دادگستری منتخب خود می باشد. در این زمینه کمیته حقوق بشر در چند مورد تاکید نموده که عدم رعایت این حق، نقض بند ۳ از ماده ۱۴ می باشد.^{۲۷}

در همین رابطه، بند ۸ از قطعنامه اصول اساسی نقش وکلاء اعلام می دارد: «کلیه افراد دستگیر، بازداشت یا زندانی شده فرصت و زمان و تسهیلات کافی برای ملاقات و ارتباط و مشورت با وکیل، بدون تاخیر، دخالت و سانسور و با قید کامل محرمانه بودن، خواهند داشت. این مشورت در معرض دید، ولی در فاصله ای که حرف ها توسط ضابطین قانون شنیده نشود، صورت خواهد گرفت.» همین قطعنامه در بند ۲۲ خود اعلام می دارد که: «دولت ها این مطلب را به رسمیت شناخته و رعایت خواهند کرد که کلیه ارتباط و مشورت های وکلاء و موکلین آنها در محدوده ارتباط حرفه ای آنان محرمانه بماند.» در این زمینه همچنین می توان به برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر نیز اشاره کرد.^{۲۸}

۶) حق بر اطلاع از محتویات و مستندات پرونده و دسترسی به آن از طریق وکیل

یکی دیگر از ابعاد مهم حق دفاع، این موضوع است که فرد بتواند شخصاً و یا از طریق وکیل مدافع خود، بر محتوای پرونده و مندرجات و مدارک آن جهت تدارک یک دفاع مناسب دسترسی داشته باشد.^{۲۹} اهمیت این موضوع تا آنجاست که چنانچه یکی از محتویات پرونده در اختیار یکی از طرفین دعوی قرار نگرفته باشد، رایی که دادگاه بر مبنای آن صادر می کند، فاقد اعتبار و قابل نقض در مرحله تجدید نظر است. زیرا که بر طبق اصل تساوی سلاح ها و اصل حق افراد بر شنیده شدن، به طرفین دعوی باید فرصت و مجال پاسخگویی به استدلالات و ادعاهای طرح شده از سوی طرف دیگر (اعم از دادستان و یا هر فرد دیگر) داده شود و این

^{۲۷} از جمله پرونده Esterella علیه اروگوئه (۷۴/۸۰) که در آن فرد مذکور در کشورش تنها چهار ساعت در طی دو سال توانسته بود با وکیل خویش ارتباط داشته باشد. همچنین پرونده Kelly علیه جامائیکا (۵۳۷/۹۳) که در آن فرد مزبور پس از دستگیری در پاسگاه پلیس خواستار ملاقات با وکیل خویش شده اما به مدت پنج روز از این حق محروم گشته بود. کمیته حقوق بشر این موارد را نقض قسمت ب از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق اعلام نموده است.

رک به: Sarah Joseph &..., op cit. pp.312, 318 [14-63] [14-79]

^{۲۸} از جمله در رای مربوط به پرونده S علیه دولت سوئیس که در آن دیوان اظهار داشته «حق متهم به اختلاط و گفتگو با وکیل مدافع بدون اینکه شخص ثالثی سخنان آنان را استماع کند، از توقعات اولیه یک دادرسی منصفانه است» همچنین در این رابطه می توان به دعوی Liam Averil علیه انگلستان (2000) مراجعه کرد. در آن پرونده، شاکی که به علت ارتکاب عملیات تروریستی تحت تعقیب قرار گرفته بوده، در مرحله بازجویی پلیس و در ۲۴ ساعت اولیه از دسترسی به مشاور حقوقی (وکیل) محروم بوده است. دیوان نیز در نهایت اعلام داشته که علیرغم اینکه پلیس در مدت تحت نظر بودن فرد به او اعلام کرده که وی مجبور به پاسخگویی نیست ولی بند ۱ ماده ۶ و قسمت ج بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی نقض گردیده است. رک به: محمد آشوری، پیشین، صص ۳۵۴ و ۳۵۵.

^{۲۹} در پرونده Kamasinski علیه اتریش (۱۹۸۹) دیوان اروپایی اظهار داشته که به لحاظ اینکه وکیل فرد مذکور امکان دسترسی به محتویات پرونده و مطالعه آنرا داشته، حق فرد در قسمت ب بند ۳ ماده ۶ (تسهیلات کافی جهت دفاع) نقض نگردیده است. رک به: محمد آشوری، پیشین، صص ۳۵۳.

موضوع جز از طریق دسترسی کامل و دقیق به محتویات پرونده قابل حصول نیست. اصل تساوی سلاح ها، همچنین در این زمینه اقتضا می کند که طرفین دعوی بتوانند دسترسی مشابهی به یادداشت ها و مدارک موجود در پرونده - لاقلاً مدارکی که در شکل گیری نظر دادگاه موثر هستند - داشته باشند.^{۳۰}

معدالک این دسترسی به پرونده می تواند، صرفاً به وکلای مدافع طرفین دعوی محدود شود.^{۳۱} این محدود کردن دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. ولی مهمترین دلیل آن معمولاً لزوم حفظ اسرار طرفین دعوی و یا ضرورت های امنیتی است. در برخی پرونده ها ممکن است، اسناد و مدارکی موجود باشد که افشای آن برای طرفین دعوی خلاف برخی حقوق و آزادی های آنان (همچون حق بر حریم خصوصی) و یا اخلاق حسنه و یا نظم عمومی و یا امنیت ملی باشد. از این رو وکیل به عنوان شخصی که متعهد به حفظ اسرار طرفین دعوی و رعایت نظم و مصلحت عمومی است، از جانب قانون واجد صلاحیت دسترسی به پرونده در این موارد است.

باید افزود که این حق دسترسی به محتویات پرونده فقط محدود به اوراق مکتوب در پرونده نیست. بلکه وکیل می تواند همانند دادستان به شهود دعوی^{۳۲} نیز دسترسی داشته و از نزدیک از آنان تحقیق بنماید.^{۳۳} مبنای این حق نیز اصل تساوی سلاح در دادرسی است. لازمه تساوی سلاح، حق داشتن تسهیلات لازم جهت تدارک دفاع و بطور خاص حق پرسش و پاسخ از شهود له و علیه می باشد که در صورت عدم رعایت آن، دادرسی عادلانه برگزار نشده است.

^{۳۰} در این زمینه همچنین طرفین دعوی و وکلای آنها باید فرصت کپی برداری از اسناد و مدارک پرونده - لاقلاً اسناد و مدارکی که در شکل گیری نظر دادگاه موثر هستند - را داشته باشند. البته در این زمینه رویه قضایی روشنی وجود ندارد ولی دیوان اروپایی حقوق بشر، در پرونده - Schuler Zraggen در هنگام تصمیم گیری در خصوص این پرسش که آیا فرد مزبور طبق شرایط ماده ۶ کنوانسیون، به پرونده دسترسی داشته یا نه؟ صراحتاً به امکان کپی برداری توسط فرد مزبور اشاره نموده است. رک به: P.van Dijk and G.J.H. van Hoof, op cit, p.431.

^{۳۱} P.van Dijk and G.J.H. van Hoof, op cit, p.430.

^{۳۲} مراد از «شهود» صرفاً کسانی نیست که آنچه را دیده و شنیده و یا اطلاع دارند به سمع و نظر پلیس یا دادگاه می رسانند. بلکه از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، شاهد به ماموران نفوذی پلیس و کارشناس و حتی شاکی خصوصی نیز اطلاق می شود. رک به: محمد آشوری، پیشین، ص ۲۵۶

^{۳۳} برای نمونه در پرونده Unterperntinger علیه اتریش (۱۹۸۶) دیوان اروپایی حقوق بشر بیان می کند که شهود باید در جلسه دادگاه استماع شوند و در غیر این صورت، متهم باید دست کم این امکان را داشته باشد که آنان را در مرحله تحقیقات پلیس یا تحقیقات مقدماتی - در صورت وجود در نظام قضایی - شخصاً یا از طریق وکیل مدافع خود مورد پرسش قرار دهد. در این پرونده شخص مذکور به صرف قرائت اظهارات شهود به شرح مندرج در صورتجلسات نیروی انتظامی و بدون حضور فیزیکی آنان در دادگاه اتریش محکوم شده بوده که دیوان این موضوع را نقض ماده ۶ کنوانسیون دانسته است. البته در مواردی نیز ممکن است شاهد خواستار مخفی ماندن هویت خویش باشد و امکان افشای هویت وی نیز وجود نداشته باشد. در این زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر در دو پرونده Doorson علیه هلند (۱۹۹۶) و Van mechelen علیه هلند (۱۹۹۷) رعایت سه شرط را برای عدم نقض ماده ۶ لازم می داند. (۱) دلایلی به غیر از شهادت مزبور در پرونده وجود داشته باشد. (۲) به هنگام پرسش از شاهد، یک قاضی دخالت کند و اعتبار و ارزش اظهارات چنین شاهدی را تایید کند. (۳) امکان دسترسی متهم یا وکیل وی برای پرسش و پاسخ از شاهد وجود داشته باشد. (رک به: محمد آشوری، پیشین، صص ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸). در این رابطه همچنین کمیسیون امریکایی حقوق بشر (در گزارش خود مربوطه به دولت پرو) یاد آور شده که اجرای دادرسی ها بطور غیر علنی موجب نقض حق دفاع متهمین شده است؛ به این ترتیب که هویت شاهدان در دادگاه (به لحاظ غیر علنی و سری بودن دادرسی) فاش نشده و عملاً امکان پاسخگویی به گواهی آنان وجود نداشته است. رک به: Scott Davidson, op cit, pp. 250, 251.

این حق دسترسی به پرونده البته تا آن حد نیست که دادگاه ملزم باشد تمامی اسناد پرونده را برای شخصی که زبان دادگاه را نمی داند، ترجمه کند. بلکه همین میزان که شخص، دارای وکیل باشد (به لحاظ اینکه وکیل زبان دادگاه را می داند و می تواند احیاناً از کمک یک مترجم نیز برای برگردان مطالب ضروری پرونده برای موکل خود استفاده نماید)، کافی که بگوییم وقت و تسهیلات لازم جهت دفاع در اختیار متهم یا خواننده قرار گرفته است.^{۳۴} در بند ۲۱ قطعنامه اصول اساسی نقش وکلاء نیز حق بر مطالعه و دسترسی به پرونده توسط وکیل مورد شناسایی قرار گرفته است. در این بند آمده است: «این تکلیف برعهده مقامات ذی صلاح است که اطمینان حاصل نمایند وکلاء به اطلاعات، پرونده ها و اسناد مناسب که در اختیار یا کنترل آنها است در مدت زمان کافی برای ارائه معاضدت حقوقی موثر توسط ایشان برای موکلین خود، دسترسی داشته باشند. این دسترسی باید در اولین فرصت مقتضی فراهم شود.»

۷) معاضدت قضایی^{۳۵} (حق برخورداری از وکیل تسخیری و معاضدت)

یکی دیگر از جنبه های مهم حق برخورداری از وکیل، تضمین این موضوع است که افرادی که توان مالی لازم جهت انتخاب وکیل (در دعاوی حقوقی و کیفری) ندارند، بتوانند با کمک دولت از این حق بهره مند شوند. در این رابطه اسناد مختلف حقوق بشری و همچنین کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر تاکید بسیار بر این موضوع نموده اند.

در این خصوص قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، از جمله ضمانت های لازم برای دفاع را که دولت ها باید از وجود آن حصول اطمینان نمایند، حق برخورداری از معاضدت قضایی می داند. ماده مزبور در این زمینه بیان می دارد که: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمین های ذیل را خواهد داشت... در صورتی که وکیل نداشته باشد، ... در مواردی که مصالح دادگستری [مصالح عدالت]^{۳۶} اقتضا

^{۳۴}. در پرونده Harvard علیه نروژ (۴۵۱/۹۱) که در کمیته حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته، آقای هاروارد مدعی بوده که به لحاظ اینکه زبان دادگاه را نمی دانسته، دسترسی به اسناد و مدارک پرونده که به زبان نروژی بوده نداشته است و دادگاه نیز ترجمه این اسناد را در اختیار او نگذاشته است. کمیته نیز اظهار نظر کرده که برای تضمین دادرسی عادلانه بسیار مهم است که شخص بتواند برای دفاع از خویش، فرصت و مجال آشنا شدن با مدارک مستند علیه خود را داشته باشد. ولی این موضوع که متهم زبان بکار رفته در دادگاه را نمی فهمیده مستلزم این نبوده که ترجمه تمامی اسناد مربوطه در دسترس او گذاشته شود. البته به شرطی که وکیل وی به آن اسناد دسترسی داشته باشد. در این پرونده نیز هاروارد به وسیله یک وکیل نروژی منتخب خود نمایندگی می شده است و او دسترسی به کل پرونده داشته و از کمک یک مترجم نیز در جلسات مربوط به هاروارد استفاده می کرده است. بنابراین وکیل مدافع فرصت آشنا شدن با پرونده را داشته و اگر می اندیشیده که خواندن بعضی اسناد برای هاروارد در خلال جلسات ضروری است، آقای هاروارد می توانسته از ترجمه ای که برای او توسط مترجم و وکیل صورت می گرفته صورت برداری کند. نهایتاً کمیته در این پرونده اظهار داشته که در احوال خاص این پرونده، حق بر دادرسی عادلانه آقای هاروارد به خصوص حق او در داشتن تسهیلات کافی برای دفاع، نقض نگردیده است. رک به: Sarah Joseph &..., op cit. pp311 , 312 [14 – 62]

^{۳۵}. Legal Aid or Judicial Assistance.

^{۳۶}. Interests of Justice.

نماید، از طرف دادگاه راساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله، هزینه ای نخواهد داشت.

این موضوع همچنین در قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش بینی شده که به موجب آن: «هر متهمی به ویژه حق دارد ... ج ... چنانچه توان مالی جهت پرداخت حق الوکاله نداشته باشد، در صورتی که مصالح عدالت اقتضا کند، بتواند بطور رایگان از مشاوره وکیل تسخیری، بهره مند گردد.»

قطعنامه اصول اساسی نقش وکلاء نیز در این رابطه در بند ۳ اشعار می دارد: «دولت ها از اختصاص وجوه و منافع دیگر به قدر کافی جهت خدمات حقوقی به افراد فقیر و در صورت لزوم به افراد ضعیف و ناتوان دیگر اطمینان حاصل خواهند نمود. انجمن های حرفه ای وکلاء در سازماندهی و اختصاص این گونه خدمات، تسهیلات و منابع دیگر همکاری خواهند نمود.» بند ۶ این قطعنامه نیز اعلام می دارد: «افرادی که وکیل ندارند، در کلیه مواردی که منافع عدالت ایجاب می نماید حق دارند از وکیلی با تجربه و شایسته در زمینه ای که با ماهیت جرم انتسابی به آنها مناسبت داشته باشد، جهت تامین معاضدت حقوقی موثر بدون پرداخت وجهی در صورتی که فاقد امکان کافی برای پرداخت هزینه این گونه خدمات باشند، برخوردار گردند.»

موضوع فوق در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز پیش بینی شده است اما برخلاف میثاق و کنوانسیون اروپایی و همچنین قطعنامه فوق، قسمت ح از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، دولت های عضو را موظف به پرداخت هزینه حق الوکاله وکیل مدافعی که (جهت معاضدت) برای افراد فقیر یا سایرین در نظر گرفته شده، نمی کند.^{۳۷}

در زمینه معاضدت وکیل همچنین لازم به ذکر است که این حق بر معاضدت نه فقط در مرحله رسیدگی دادگاه بلکه از همان مرحله تحقیقات پلیس برای افراد وجود خواهد داشت.^{۳۸} در خصوص معاضدت وکیل، دیوان اروپایی حقوق بشر همچنین معتقد است که چنانچه وکیل تسخیری یک متهم به وظایف خود پیش از تشکیل دادگاه عمل نکرده باشد، دادگاه باید نسبت به انتخاب جانشین وی اقدام نماید، تا متهم بتواند به گونه ای مناسب از خویش دفاع نماید.^{۳۹}

در مجموع کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر، ضمن تاکید بر فراهم کردن معاضدت قضایی برای کسانی که توان و استطاعت مالی جهت گرفتن وکیل ندارند، شرایطی را برای این معاضدت در نظر می گیرند که برخی از آنها عبارتند از:

³⁷. Scott Davidson, op cit, pp. 250 , 251.

³⁸. در پرونده S علیه سوئیس (۱۹۹۱) دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشته که «ماده ۶ کنوانسیون بطور معمول اقتضا دارد که متهم از معاضدت یک وکیل مدافع از همان مرحله نخستین تحقیقات پلیس بهره مند شود...» رک به: محمد آشوری، پیشین، ص ۳۵۵.

³⁹. پرونده Daud علیه پرتغال (۱۹۹۸). همچنین رک به: محمد آشوری، پیشین.

- ۱) مصالح عدالت باید اقتضا کند. تشخیص این امر نیز یا توسط قانونگذار با وضع قوانین در خصوص برخی دعاوی و اتهامات ویژه و یا با تصمیم مقامات قضایی در اوضاع و احوال خاص برخی پرونده ها صورت می گیرد.
- ۲) معاضدت باید در سایه اتهامات، پیچیدگی دعوی و شدت مجازات دیده شود. اتهامات جزئی و کم اهمیت که عملاً به یک جریمه نقدی منجر می شود، مستحق معاضدت نیست.^{۴۰}
- ۳) دولت زمانی موظف به ارائه معاضدت است که ورود وکیل تسخیری در دادرسی دارای نوعی احتمال عینی پیروزی باشد.^{۴۱}
- ۴) در اختیار قراردادن وکیل تسخیری برای یک فرد متهم به ارتکاب جرایم مستوجب مرگ، در صورتی که او برای خود وکیل انتخاب نکرده باشد، الزامی است.
- ۵) معاضدت قضایی در دعاوی کیفری و بعضاً در دعاوی حقوقی بکار می رود^{۴۲} و ...

^{۴۰} در پرونده O.F علیه نروژ (۱۵۸/۸۳) که در کمیته حقوق بشر بررسی شده، فرد مذکور مدعی بوده که در کشورش به جرم سرعت غیر مجاز در حین رانندگی متهم شده، اما برای دفاع از اتهامش دادگاه به او معاضدت حقوقی اعطاء نکرده است؛ دولت عضو نیز در پاسخ اظهار داشته که فرد مذکور در محاکمه حضور داشته و شخصاً از خویش دفاع نموده و حق داشتن وکیل نیز به وی اطلاع داده شده است، مضافاً به اینکه داشتن مشاوره حقوقی رایگان منوط به اقتضای عدالت است و علت اینکه فرد مذکور از این حق برخوردار نشده، می بایست در سایه ماهیت جرمی دیده شود که وی به آن متهم بوده است و اتهام او کم اهمیت و عادی بوده و در عمل تنها می توانسته به یک جریمه جزئی منجر شود. دولت مزبور در پایان همچنین اظهار داشته که حقایق مربوط به این پرونده هیچگونه موضوعیتی بر اساس قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق نداشته است. کمیته حقوق بشر نیز در نهایت استدلال دولت عضو را در خصوص غیر قابل پذیرش بودن این دعوی پذیرفته است.

رک به: Sarah Joseph &..., op cit, p.320 [14-83]

^{۴۱} در پرونده Z.P علیه کانادا (۳۴۱/۸۸) فرد مذکور مدعی بوده که در خواست معاضدت وی به منظور استیناف از محکومیتش برای جرم تجاوز جنسی، توسط دولت عضو رد شده است. در این پرونده کمیته حقوق بشر اظهار داشته که تصمیم داخلی به رد معاضدت قضایی، مبتنی بر درک فقدان ارزش در تجدید نظر در مورد او بوده است. بنابراین دولت عضو ملزم به فراهم کردن معاضدت قضایی برای فردی که از یک جرم مهمی تجدید نظر می کند نیست، مگر اینکه تجدید نظر به نوعی دارای شانس عینی موفقیت باشد. البته این قاعده در مورد افراد متهم به ارتکاب جرایم مستوجب اعدام بکار نمی رود و در آن موارد اعطای معاضدت (در صورتی که فرد متهم، وکیل منتخب نداشته باشد) الزامی است. رک به: Sarah Joseph & ..., op cit, p 321 [14-85]

^{۴۲} در پرونده Currie علیه جامائیکا (۳۷۷/۸۹) کمیته حقوق بشر اظهار داشته که بند ۱ ماده ۱۴ میثاق، افراد را مجاز به داشتن معاضدت حقوقی در انواع خاصی از دعاوی مدنی نیز می کند. رک به: Sarah Joseph & ..., op cit, pp 322, 283-285 [14-13][14-14][14-86]

کتابنامه

- آشوری، محمد، عدالت کیفری - کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- آشوری محمد/ بشیریه، حسین/ هاشمی، سید محمد/ یزدی، عبدالمجید - حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- راسخ، محمد - حق و مصلحت، نشر طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- شبت، ویلیام ا - مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میر عباسی، حمید الهوئی نظری، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- قاری سید فاطمی، سید محمد - حقوق بشر در جهان معاصر، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر () نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر () نشر دانشگاه شهید بهشتی،
- مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، گزیده ای از مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.
- هولمز، رابرت - مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۲.

David J Harris & Stephen Livingstone, (The Inter – American System of Human Rights) Oxford, 1998.

P.van Dijk and G.J.H. van Hoof. Theory and Practice of the European Convention on Human Rights. Kluwer law International . the Hague . 1998.

Sarah Joseph, Jenny Schults and Melissa Castan. International covenant on civil and political rights. oxford university press. first published 2000.

<http://www.un.org/ccpr>.

<http://www.un.org/icty>

<http://www.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

<http://www.humanrights.uconn.edu>

<http://www.unhchr.ch/tbs/doc>.

<http://www.hrea.org>